تعیین سهم مولفه های هوش هیجانی و سبک های فرزند پروری در پیش بینی حالات روان شناختی مثبت

حسین ابراهیمی مقدم*[1]، مهین فکرتی[2]

۱- استادیار، گروه روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، رودهن، ایران.

۲- کارشناس ارشد روان شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، رودهن، ایران.

یافته / دوره هفدهم / شماره ۱ / بهار ۹۴ / مسلسل ۶۳

چکیده

دریافت مقاله: ۹۳/۱۰/۱ پذیرش مقاله: ۹۳/۱۲/۱۳

مقدمه: از آنجایی که بنیان حالات روان شناختی مثبت به عنوان متمم رویکرد های کمبود مدار در سالهای اخیر مطرح شده است بر آن شدیم تا این شاخه جدید روان شناسی را که به مطالعه علمی نیرومندی های انسان نظر دارد بیشتر مورد توجه قرار داده و به بررسی سهم مولفه های هوش هیجانی و سبک های فرزند پروری در پیش بینی حالات روان شناختی مثبت بپردازیم.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه مقطعی ۲۰۰ نفر از دانشجویان روان شناسی مقطع کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن با استفاده از نمونه گیری خوشه ای مرحله ای انتخاب شدند. سپس با استفاده از پرسش نامه های هوش هیجانی برادبری و گریورز، سبک های فرزندپروری بامریند و پرسش نامه حالات روان شناختی مثبت رجایی و همکاران مورد ارزیابی قرار گرفتند. داده های پژوهش با استفاده ازآمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و آمار استنباطی (رگرسیون چندگانه) به کمک نرم افزار SPSS بررسی شدند.

یافته‌ها: از بین مولفه های هوش هیجانی، مولفه خودآگاهی هیجانی(β=۰/۴۶۴) بیشترین مقدار پیش بینی کننده را دارا بود و مدیریت رابطه پیش بینی کنندگی معنا داری را در این تحقیق نشان نمی داد. همچنین از میان سبک های فرزند پروری، سبک فرزندپروری مقتدر نیز رابطه مثبت معناداری با حالات روان شناختی مثبت داشت و نیز هیچ رابطه معناداری بین سبک فرزندپروری مستبد با حالات روان شناختی مثبت یافت نشد.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج پژوهش حاضر و اهمیت حالات روان شناختی مثبت پیشنهاد می شود که به پرورش هوش هیجانی از سنین کودکی و آموزش آن به والدین و متوجه ساختن والدین در نحوه فرزندپروری توجه بیشتری شود تا با افزایش سطح رضایتمندی افراد میزان بهداشت روانی جامعه نیز ارتقا یابد.

واژه‌های کلیدی: هوش هیجانی، سبک های فرزندپروری، حالات روان شناختی مثبت.

*آدرس مکاتبه نویسنده مسئول: رودهن،دانشگاه آزاد اسلامی،دانشکده روان شناسی، گروه روان شناسی.

پست الکترونیک: hem_psy@yahoo.com

[Downloaded from yafte.lums.ac.ir on 2026-11-25]

مقدمه

روان شناسی به طور سنتی بر کمبودها و ناتوانی های روانی تأکید داشته است تا اینکه این سنت توسط سلیگمن و همکاران دگرگون شد. سلیگمن و همکاران بنیان روان شناسی مثبت را به عنوان متمم رویکردهای کمبود مدار شروع کردند (۳-۱). این شاخه جدید از روان شناسی اساساً به مطالعه علمی نیرومندی های انسان می پردازد (۴).

عوامل زیادی در بهبود حالات روان شناختی مثبت تأثیر گذار می‌باشند. یکی از این عوامل که در این تحقیق در پی بررسی میزان تأثیرگذاری آن هستیم هوش هیجانی است. در ابتدای پیدایش این سازه، روان شناسان بیشتر بر روی جنبه های شناختی همانند حافظه و حل مسئله تأکید می کردند. اما خیلی زود دریافتند که جنبه های غیر شناختی مانند عوامل عاطفی و اجتماعی نیز دارای اهمیت زیادی هستند (۵). شاید بتوان گفت موضوع هوش هیجانی از ۲۰۰۰ سال قبل شروع شده است، زمانی که افلاطون نوشت: تمام یادگیری‌ها یک مبنای هیجانی دارند (۶). هوش هیجانی برای نخستین بار توسط پیتر سالوی و جان مایر معرفی شد بدین ترتیب این اصطلاح را برای بیان کیفیت و درک احساسات افراد، همدردی با احساسات دیگران و توانایی اداره مطلوب خلق و خو به کار بردند (۷). هوش هیجانی نوعی از مهارت اجتماعی است (۸). بار- اون ۴ هوش هیجانی را شامل ادراک هیجان در خود و دیگران، فهم و استدلال درباره هیجان، و اداره هیجان ذکر نموده است (۹). بیشتر این ویژگی‌های ذکر شده منحصر به فرد هستند و در بطن خانواده و اوایل زندگی شروع و در سرتاسر زندگی ادامه می یابند اما ممکن است از نیرومندی آن نیز به تدریج کاسته شود (۱۰). هر خانواده شیوه های خاصی را در تربیت جسمی و روحی فرزندان خویش به کار می گیرد. این شیوه‌ها که شیوه های فرزندپروری نامیده می‌شوند متأثر از عوامل مختلفی از جمله عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی می‌باشد (۱۱). از ابتدای تولد روان‌شناسی به عنوان یک رشته جدید و به صورت نظری و تجربی بر اهمیت نقش خانواده بالاخص بر روابط متقابل کودکان با والدینشان تأکید شده است و اکثر روان شناسان صرفه نظر از مکتبی که به آن معتقدند کنشهای متقابل میان والدین و فرزندانشان را اساس رشد عاطفی و شناختی فرزندان قلمداد می‌کنند. دوره حیات خانواده یک مبنای فوق العاده مفید برای مفهوم سازی، ایجاد و گسترش روابط مثبت است و قابل جابجایی نیست (۱۲). تربیت امری است که سرنوشت زندگی امروز و فردای بشریت بدان وابسته است. تربیت یک حرکت و تدبیر است و سیری ممتد و مداوم است. در همه نظام‌های تربیتی مقصد کلی تربیت، رسیدن به سعادت و خوشبختی است (۱۳).

اگر چه مطالعات اندکی در مورد هوش هیجانی و سبک‌های فرزندپروری و برخی از مولفه های حالات روان شناختی مثبت در ایران و جهان صورت پذیرفته اما تا به اکنون در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر بدین شکل هیچ تحقیق داخلی و خارجی صورت نپذیرفته است. از این جهت بر آن شدیم تا مطالعه ای با هدف تعیین سهم مولفه های هوش هیجانی و سبک های فرزند پروری در پیش بینی حالات روان شناختی مثبت انجام دهیم.

مواد و روش ها

روش پژوهش حاضر کمی و از نوع همبستگی است و برای برآورد حجم نمونه از روش تاباچنیک و فیدل استفاده شد که حجم نمونه در این فرمول ۱۰۶ نفر برآورد شد، اما به دلیل پیشگیری از آفت آزمودنی‌ها ۲۰۰ نفر انتخاب شدند. در این پژوهش نمونه گیری به طور تصادفی خوشه ای مرحله ای انجام شد، که کلاس های درس دانشگاه به عنوان خوشه در نظر گرفته شدند و از میان کلاس های برگزار شده در دانشکده روان شناسی که مجموعاً ۱۸ کلاس بود پس از کد گذاری کلاس ها،۱۰ کلاس به طور تصادفی به عنوان خوشه انتخاب شدند.

[Downloaded from yafte.lums.ac.ir on 2026-11-25]

ابزار پژوهش

۱- پرسشنامه سبکهای فرزند پروری بام ریند

دیانا بامریند از دانشگاه کالیفرنیا برای سه شیوه معروف فرزند پروری خود یعنی استبدادی، مقتدرانه و سهل گیرانه یک پرسش نامه ۳۰ سوالی تدوین کرده که هر ده سوال آن مربوط به یکی از سطوح ذکر شده می باشد که از صفر تا پنج نمره گذاری می گردد. این پرسشنامه توسط اسفندیاری ترجمه شده و روایی این پرسشنامه توسط مهرافراز مورد ارزیابی و تأیید قرار گرفته که ضریب پایایی آن را به روش آلفای کرونباخ برای شیوه مقتدرانه ۰/۵۵، برای شیوه استبدادی ۰/۷۴ و برای شیوه سهل گیرانه ۰/۶۱ بدست آمد (۱۳).

۲- آزمون هوش هیجانی برادبری و گریورز

این تست به منظور سنجش هوش هیجانی توسط برادبری و جین گریورز ساخته و هنجاریابی شده است و در ایران نیز توسط مهدی گنجی و حمزه گنجی کار هنجاریابی آن انجام گرفته شد. این آزمون شامل ۲۸ آیتم می باشد و هر آزمودنی به آیتم‌ها به صورت ۶ گزینه‌ای (هرگز، به ندرت، گاهی، معمولاً، تقریباً همیشه، همیشه) پاسخ می دهد. این گزینه ها به ترتیب ۱،۲،۳،۴،۵،۶ نمره گذاری می شوند (۱۴). فرم پرسشنامه هوش هیجانی برادبری چهار مولفه خودآگاهی، خود مدیریتی، آگاهی اجتماعی و مدیریت رابطه را می سنجد. این آزمون که توسط گنجی و همکاران انجام گرفته دارای ضریب اعتبار و روایی بالا (آلفای کرونباخ ۰/۸۸) بوده است و همه سوالات با کل آزمون همبستگی مثبت معنی دار دارند (۱۵).

۳- پرسشنامه حالات روانشناختی مثبت رجایی و همکاران

این پرسشنامه که توسط رجایی، خویی نژاد و نسایی تهیه و تدوین گردیده است شامل ۹۶ سوال بوده و در مجموع ۱۵ حالت روانشناختی مثبت را می‌سنجد: ۱- امیدواری ۲- هدفمندی ۳- احساس کنترل ۴- توکل به خدا ۵- احساس کارآمدی ۶- خوش بینی ۷- اجتماعی بودن ۸- بخشش ۹- عزت نفس و احساس ارزشمندی ۱۰- احساس آرامش ۱۱- قدردانی ۱۲- خلق مثبت و شادمانی ۱۳- رضایت از زندگی ۱۴- وظیفه شناسی ۱۵- معنادار بودن زندگی. برای محاسبه پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. برای این منظور پایلوتی بر روی ۵۰ نفر از دانشجویان انجام گردید که ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای کل آزمون ۰/۸۳۷ و برای مقیاس‌ها به ترتیب زیر می باشد. (۱۶)

یافته‌ها

جدول ۱. خلاصه شاخص آماری مربوط به نمره های آزمودنی ها در پرسشنامه مولفه های هوش هیجانی و سبک های فرزندپروری و حالات روان شناختی مثبت

مولفه ها	میانگین	انحراف معیار
خودآگاهی هیجانی	۳۸/۸	۵/۴
خود مدیریتی	۲۱/۵	۶/۳
آگاهی اجتماعی	۱۲/۰۴	۴/۳۹
مدیریت رابطه	۴/۱۳	۲/۱۵
سبک مستبدانه	۲۸/۷	۶/۳
سبک مقتدرانه	۵۳/۳۸	۱۲/۸۹
سبک سهل‌گیر	۴۳/۳۰	۹/۵۸
عزت نفس	۲۰/۰۶	۳/۳۱
خلق مثبت	۱۶/۸۶	۳/۲۷
وظیفه شناسی	۲۰/۶۶	۳/۰۰
هدفمندی	۱۹/۲	۴/۰۲
امیدواری	۱۷/۲۹	۲/۵۴
خوش بینی	۱۶/۲۵	۲/۸۱
توکل	۲۰/۹۸	۳/۶۶
قدردانی	۲۰/۰۳	۳/۸
معناداری زندگی	۱۸/۲۱	۲/۸۸
رضایت از زندگی	۱۷/۹۲	۲/۶۹
احساس آرامش	۱۸/۰۷	۴/۰۱
اجتماعی بودن	۱۹/۲۹	۳/۰۰
احساس کنترل	۱۷/۸۰	۲/۵۷
احساس کارآمدی	۲۱/۲۷	۲/۸۹
بخشش	۲۲/۵	۳/۰۴

[Downloaded from yafte.lums.ac.ir on 2026-11-25]

بر اساس جدول ۱ بیشترین میزان میانگین در مولفه های هوش هیجانی مربوط به مولفه خودآگاهی هیجانی با میانگین ۳۸/۸ و انحراف معیار ۵/۴ بوده، و کمترین میزان میانگین مربوط به مولفه مدیریت رابطه با میانگین ۴/۱۳ و انحراف معیار ۲/۱۵ بوده است. در سبک های فرزند پروری، بیشترین میزان میانگین در آزمودنی ها مربوط به مولفه سبک فرزند پروری مقتدرانه با میانگین ۵۳/۳۸ و انحراف معیار ۱۲/۸۹ و کمترین میزان هم مربوط به سبک فرزندپروری مستبدانه با میانگین ۲۸/۷ و انحراف معیار ۶/۳ بود. طبق جدول بیشترین میزان میانگین حالات روان شناختی مثبت در بین آزمودنی‌ها، مربوط به مولفه بخشش با میانگین ۲۲/۵ و انحراف معیار ۳/۰۴ و کمترین میزان میانگین مربوط به مولفه خوش بینی با میانگین ۱۶/۲۵ و انحراف معیار ۲/۲۸ بوده است.

ضریب همبستگی چندگانه خودآگاهی هیجانی با حالات روان شناختی مثبت ۰/۴۸ بود که حدوداً ۲۳ درصد از کل واریانس متغیر حالات روان شناختی مثبت را تبیین می‌کند و مدیریت رابطه تنها حدود ۳ درصد از کل واریانس متغیر حالات روان شناختی را در این پژوهش تبیین می نماید. همان طور که مشاهده می شود ضریب همبستگی بین سبک فرزند پروری مقتدرانه با حالات روان شناختی مثبت ۰/۵۹ می-باشد بدین ترتیب این مولفه حدوداً ۳۴ درصد از کل واریانس متغیر حالات روان شناختی مثبت را تبیین می کند (جدول ۲).

از آنجایی که مقدار F محاسبه شده در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ معنادار می باشد می توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق که شامل هوش هیجانی و سبک های فرزند پروری با حالات روان شناختی مثبت (متغیر ملاک) است مدل خوبی بوده و متغیر هوش هیجانی و سبک های فرزندپروری قادر هستند تغییرات متغیر ملاک را تبیین کنند (جدول ۳).

نتایج جدول ۴ نشان می دهد که از بین مولفه‌های هوش هیجانی مولفه خودآگاهی هیجانی با ضریب استاندارد شده ۰/۴۶۴ بیشترین مقدار پیش بینی کنندگی را دارا بوده و مدیریت رابطه درصد پیش بینی کنندگی در تحقیق حاضر را نداشته است. طبق داده های جدول ۵ سبک فرزندپروری مقتدرانه با ضریب استاندارد ۰/۳۱۶ نسبت به سایر مولفه‌های سبک فرزند پروری از سهم بیشتری در پیش بینی حالات روان شناختی مثبت برخوردار است. همینطور بین سبک فرزندپروری مستبدانه با حالات روان شناختی مثبت رابطه معناداری دیده نشد.

جدول ۲. ضریب همبستگی چندگانه بین مولفه های هوش هیجانی و سبک های فرزند پروری با حالات روان شناختی مثبت

مولفه ها	حالات روان شناختی مثبت	
	R	R^2
خود مدیریتی	۰/۳۴	۰/۱۲
آگاهی اجتماعی	۰/۳۸	۰/۱۴
مدیریت رابطه	۰/۱۹	۰/۰۳
خودآگاهی هیجانی	۰/۴۸	۰/۲۳
سبک مقتدرانه	۰/۵۹	۰/۳۴
سبک مستبدانه	۰/۳۳	۰/۱۰
سبک سهل گیر	۰/۴۵	۲۰/۲۵

جدول ۳. نتایج تحلیل واریانس رگرسیونی بین متغیرها

شاخص ها / منابع تغییرات	SS	df	s^2	F	P
متغیر پیش بین (هوش هیجانی)	۲۸۰۹/۳۹۲	۴	۷۰۲/۳۴۸	۲۱/۲۱۴	۰/۰۰۰۵
خطا (عوامل باقیمانده)	۶۴۵۶/۰۳۷	۱۹۵	۳۳/۱۰۷		
کل	۹۲۶۵/۴۲۹	۱۹۹	-		
متغیر پیش بین (سبکهای فرزند پروری)	۴۱۲۵/۰۹۴	۳	۱۳۷۵/۰۳۱	۲۲/۷۷۳	۰/۰۰۵
خطا (عوامل باقیمانده)	۱۱۸۳۴/۲۶۱	۱۹۶	۶۰/۳۷۸		
کل	۱۵۹۵۹/۳۵۵	۱۹۹	-		

[Downloaded from yafte.lums.ac.ir on 2026-11-25]

جدول ۴. ضرایب استاندارد شده و استاندارد نشده مولفه های هوش هیجانی و سبکهای فرزند پروی با حالات روان شناختی مثبت

مولفه های هوش هیجانی	حالات روان شناختی مثبت			
	B	β	T	P
مقدار ثابت	۳۷/۰۲۵		۹/۱۹۰	۰/۰۰۱
آگاهی اجتماعی	۰/۱۱	۰/۲۳۴	۳/۶۱۵	۰/۰۰۱
مدیریت رابطه	۰/۳۴۹	۰/۱۳۹	۱/۹۲۴	۰/۰۵۶
خودآگاهی هیجانی	۰/۹۶۱	۰/۴۶۴	۶/۶۶۰	۰/۰۰۱
خود مدیریتی	۰/۴۳۷	۰/۱۹۸	۵/۵۹۷	۰/۰۱
مولفه های سبکهای فرزندپروری				
مقدار ثابت	۳۰/۶۲۶			۰/۰۰۰
سبک مقتدرانه	۰/۴۷۱	۰/۳۱۶	۴/۴۰۵	۰/۶۵۸
سبک استبدادی	۰/۳۴۰	۰/۱۳۲	۲/۰۱۹	۰/۰۴۵
سبک سهل‌گیر	۰/۰۹۶	۰/۲۵۹	۳/۳۸۵	۰/۰۰۱

جدول ۵. ضرایب استاندارد شده و استاندارد نشده سبکهای فرزندپروری و حالات روان شناختی مثبت

مولفه های سبک فرزندپروری	نمرات استاندارد نشده	نمرات استاندارد شده	خطای معیار	نسبت بحرانی	سطح معناداری
مقدار ثابت	۳۰/۶۲۶		۶/۹۰۳	۴/۴۳۷	۰/۰۰۰
سبک مقتدرانه	۰/۴۷۱	۰/۳۱۶	۰/۱۰۷	۴/۴۰۵	۰/۶۵۸
سبک استبدادی	۰/۳۴۰	۰/۱۳۲	۰/۱۶۸	۲/۰۱۹	۰/۰۴۵
سبک سهل گیر	۰/۰۹۶	۰/۲۵۹	۰/۰۲۹	۳/۳۸۵	۰/۰۰۱

بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر تعیین سهم مولفه های هوش هیجانی و سبک‌های فرزندپروری در پیش بینی حالات روان شناختی مثبت بود. در این تحقیق نتایج ضریب همبستگی چندگانه بین مولفه های هوش هیجانی (خود آگاهی هیجانی، خود مدیریتی، آگاهی اجتماعی، مدیریت رابطه) با حالت های روان شناختی مثبت نشان داد که مولفه خودآگاهی هیجانی با ضریب استاندارد ۰/۴۶ بیشترین مقدار پیش بینی کنندگی و تبیین کنندگی حالات روان شناختی مثبت را دارا بوده و مدیریت رابطه در تحقیق حاضر درصد پیش بینی کنندگی نداشت. تحقیق حاضر با تحقیقات دیگری که به برخی از آنها اشاره می‌گردد هم راستا می‌باشد. در تحقیق بهمایی که بین هوش هیجانی و شادکامی (یکی از مولفه های حالات روان شناختی مثبت) انجام گرفت نشان داده شد که دو مولفه خودکنترلی و مهارت اجتماعی از میان تمام مولفه های هوش هیجانی رابطه معنادار مثبت با شادکامی دارد (۱۷). همینطور در تحقیق دیگری با ۹۵ درصد اطمینان بین هوش هیجانی و شادکامی رابطه معناداری یافت شد (۱۸). تحقیق اینگلبرگ نیز نشان داده که بین هوش هیجانی با اجتماعی بودن (یکی از مولفه های حالات روان شناختی مثبت) رابطه مثبت وجود دارد (۱۹). همینطور در پژوهشی میزان تأثیر هوش هیجانی در پیشرفت خودکارآمدی (مولفه دیگری از حالات روان شناختی مثبت) دانشجویانی که به تازگی از نظر بینایی آسیب دیده بودند انجام شد به این نتیجه رسیدند که برنامه آموزش هوش هیجانی، برنامه موثری برای کنترل خودکارآمدی می باشد (۲۰). پلیتری نیز در پژوهش خود دریافت که هوش هیجانی با رضایتمندی کلی از زندگی ارتباط دارد (۲۱). نلسون و لاو هوش هیجانی را نقطه تلاقی توانایی‌ها و مهارتهای پیشرفته در شناخت دقیق خود و نقاط قوت و ضعف

[Downloaded from yafte.lums.ac.ir on 2026-11-25]

شخصی، ایجاد تداوم روابط سالم و اثربخش، گذران و کارکردن مفید و ثمربخش با دیگران، برخورد اثربخش و سالم با خواسته ها و فشارهای زندگی روزمره می دانند (۲۲).

از طرفی ضریب همبستگی چندگانه بین سبک های فرزند پروری با حالات روان شناختی مثبت نشان داد ۳۴ درصد از کل واریانس متغیر ملاک توسط متغیر پیش بین ما قابل پیش بینی بود. همچنین از بین متغیرهای پیش بین، سبک فرزندپروری مقتدر با نمره استاندارد شده ۰/۳۱، نسبت به سایر مولفه های سبک فرزندپروری از سهم بیشتری در پیش بینی حالات روان شناختی مثبت برخوردار بوده است و آن را به شکل مثبت و معناداری پیش بینی می کند. علاوه بر این در این تحقیق بین سبک فرزندپروری مستبد با حالات روان شناختی مثبت رابطه معناداری یافت نشد. طالبی مرند نشان داد که بین شیوه فرزند پروری مقتدر و مهارت های اجتماعی رابطه مثبت و معنادار و بین شیوه فرزندپروری مستبد با مهارت‌های اجتماعی رابطه منفی وجود دارد (۲۳). باقرپناه نیز به این نتیجه دست یافت که بین سبک فرزند پروری مقتدر و انگیزه پیشرفت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و بین شیوه فرزندپروری مقتدر و افسردگی رابطه منفی و معکوس وجود دارد (۲۴). در تحقیق دیگری نشان داده شد که بین سبک فرزند پروری مقتدرانه با حالات روان شناختی مثبت رابطه معنی داری وجود دارد (۱۶). تحقیقات نشان دادند که بین سلامت روانی و سبک های فرزند پروری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (۲۵). در پژوهشی که حسینیان و پورشهریاری انجام دادند بین شیوه فرزند پروری مقتدر با عزت نفس دانش آموزان دختر ناشنوا و شنوا رابطه معناداری یافتند (۲۶). چندین مطالعه نیز نشان داده اند که رابطه مثبت معناداری بین سبک فرزندپروری و اعتماد به نفس بالا در کودکان وجود دارد (۳۰-۲۷). همچنین در تحقیق حسنین و همکاران بین سبک فرزند پروری مقتدر و شادی و عزت نفس بالا نیز رابطه مثبت معناداری بدست آمد (۳۱). در تحقیق دیگری که میلوسکی و همکاران انجام دادند دریافتند که کودکان والدین مستبد دارای اعتماد به نفس پایین هستند (۳۲). تحقیق درزون و سالی نشان داد که کودکان و نوجوانانی که با سبک فرزند پروری مقتدر پرورش یافته اند احساس ارزشمندی، احساس کنترل و احساس امنیت بالاتری دارند (۳۳).

با توجه به نتایج پژوهش حاضر و اهمیت حالات روان شناختی مثبت پیشنهاد می شود که به پرورش هوش هیجانی از سنین کودکی و آموزش آن به والدین و متوجه ساختن والدین در نحوه فرزندپروری توجه بیشتری شود تا با افزایش سطح رضایت مندی افراد میزان بهداشت روانی جامعه نیز ارتقا یابد.

تشکر و قدردانی

این مقاله حاصل پایان نامه دانشجویی می باشد. لذا از کلیه اساتید و دانشجویانی که نهایت همکاری خود را جهت به ثمر رسیدن این تحقیق انجام دادند تقدیر و تشکر می گردد.

[Downloaded from yafte.lums.ac.ir on 2026-11-25]

References

1. Seligman M. Authentic Happiness: Using The New Positive Psychology to Realise your Potential for Lasting Fulfilment. New York:Free Press. 2002;3:153-162.
2. Seligman MC, sikszentmihaalyi M. Positive Psychology: an Introdaction. American Psychology.2000; 55(1):5-14.
3. Snyder CR, Lopez S. Handbok of Positive Phsycology. New York: Oxford University Press,2002.
4. Carr A. Positive psychology, scince of happiness and forces of human. translated to Persian by: Sharify H, Nagafizand G, Tehran: Sokhan pub;2009,159-217. (In Persian)
5. Cote S, Miners CTH. Emotional intelligence,cognitive Intelligence, and Job performance. Administrative Scince Quarterly.2006;51:1-28.
6. Freedman J. Emotional Intelligence at the sheratonstadio city . [online]at://www.sixeconds.com. 2003.
7. Ciarrochi J, Forgus JP, Myer JD. Emotional intelligence in everyday life.London:Psychology press.2001;69.
8. Davis SK, Humphrey N. The influence of emotional intelligence (EI) on coping and mental health in adolescence : Divergent roles for trait and ability EI. Journal of Adolescence. 2012;35 ,(5):1369-1379.
9. Harms PD, Crede M. Remaining Issues in Emotional Intelligence Research: Construct Overlap, Method Artifacts, and Lak of Incremental Validity. Industrial and Organizational Psychology: Perspectives Science And Practice.2010; 3(2):154-158.
10. Mruk C. Self-esteem ,2nd edn. New York:Springer.1999,101.
11. Hardy DF, Power TG. Jeadicke S. Examining the relation of parenting to childrens coping with everyday stress. Child Development. 1993; 64:184.
12. Walsh F. Normal family process. Newyork:Gilford, 1993.
13. Mehrafraz H. Study of relationship between parenting styles with locus control and achievement [dissertation]. Tehran.Iran:Uni College of Educational, 2001. (In Persian)
14. Bradberry T, Greaves G. EQ, skills and tests. Translated to persian by:Ganji M, Tehran:Savalan,2009. (In Persian)
15. Ganji H, Mirhashemi M, Sabet M. Basic standardize of EQ test of Bradberry and Greaves. Quarterly Journal of Thinking and Behavior.2009;2:13. (In Persian)
16. Nesaii v. The study of relationship between Basic Religious belief and Parenting styles with positive psychological states [dissertation] . (In Persian) Torbate Jam.Iran:Uni. Islamic Azad,2012.
17. Bahmaee S. Relation between EQ and happiness in principals. Quarterly Journal of Management and Leadership. 2011;5(2):117-135. (In Persian)
18. Ragaby S, Shirallipor S. The Study of relationship between EQ and happiness in personals of insure in tehran city. Evulution psychology: Iranian Psychologists. 2012;6(22):15. (In Persian)
19. Ingelberg E. Examining the effect of organization culture and leadership

[Downloaded from yafte.lums.ac.ir on 2026-11-25]

behaviors on organizational commitment. Journal of American Academy of Business. 2004;5(1/2):432-439.
20. Eniola M. Busari AO. Emotional Intelligence in Promoting Self- Efficacy of the visually Impaired Fresh students of Federal College of Education. Nigeria Journal of Medwell.2007;2:152-155.
21. Pellitteri J. The relationship between emotional intelligence and ego defense mechanisms. The Journal of psychology.2002; 136(2): 182-194.
22. Nelson JD, Low D. Emotional Intelligence the construction and regulation of felling. Applied & Preventive Psychology. http:// trochim.human.cornell.Edu/gallery/young. 2003.
23. Talebimarand SH. The Study of relationship of parenting styles with social skills and self efficiency of girls student in high schools of Tehran city [dissertation].Tehran, Iran:Uni Alzahra, 2009. (In Persian)
24. Bagher panah M. The study of Relationship between parenting styles with motivation of educational progress and depression [dissertation]. Tehran. Iran:Uni Tehran,2007. (In Persian)
25. Bahreyni M. The study of relation of mental health and Parenting styles inpreuniversity student in Tehran city [dissertation].Tehran. Iran:Uni Tehran, 2000. (In Persian)
26. Hossinyian S, Porshahriary M. Relation between parenting styls and self-steem of deaf girl students and other girls. Research in Expectional Children. 2010;7(4):367.
27. Agilchy B. Relation between parenting style and self confidence. Journal of Behavioral Science and Social. 2013;82;496-501.
28. Dehart t, Pelham WB, Ennen H. What lies beneath: Parenting style and implicit self-steem. Journal of Experimental Social Psychology. 2006;42:1-17.
29.Ginaa C, Tana D. Parenting style and self-Eseetm: A study of young adults with visual Journal of isual Impairments & Blindness.2001;95(5):261.
30. Lopez M. Parenting styles and self-esteem and parenting style. Journal of cross-Cultural Psychology.2005;30:742-761.
31. Hassanein N, Bushra F, Parol A. Self confidence and happiness in children and mothers. Journal of Human Science and Social Studings. 2013;82:111-113.
32. Milevsky A, Schlechter M, Netter S, Keehn D. Maternal and Paternal parenting styles in adolescents. Associations with self–esteem,depression, and life-satisfaction. Journal of Child & Family Studies.2007;16:39-47.
33. Derzon H, Sale E. The effect on adolescents of three parenting styles: Authoritative, authoritarian and permissive. Journal of Counseling Psychology.2001;67:13-15.

[Downloaded from yafte.lums.ac.ir on 2026-11-25]